

با تاریخ مشهد، از زوارکشی تا شکل‌گیری نخستین انجمن راهنمای گردشگری در شهر

سازمانی که کارش جلب سیاح بود

سیده‌نقیمة زینبی| وقتی یک مسافر خسته و تکیده از یک مسیر دور به شهری غریب قدم می‌گذارد، شاید برای اولین و آخرین بار این شانس را پیدا کرده است که شهر تازه را ببیند و این میان فقط یک راهنمایی خوب، می‌تواند او را به مقصودش برساند. اهمیت این موضوع در گذشته که خبری از وسایل ارتباط جمعی و اینترنت نبود، بسیار بیشتر بود و تا دهه ۴۰ جای خالی اش احساس می‌شد. ۵۷سال پیش در چنین روزی «سازمان جلب سیاحان»، نخستین اساس‌نامه راهنمایان گردشگری را به مراکز استان‌ها ابلاغ کرد تا شروعی باشد بر پدید آمدن یک صنف در مشهد که این شهر روبه‌گسترش، نیاز مبرمی به حضورش داشت. این بهانه باعث شد نگاهی بیندازیم بر پیشینه راهنمای گردشگری در این شهر.



زوار کش‌ها؛ نخستین نسل راهنمای زائر

از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم خورشیدی، ردپای زوارکش‌ها در اسناد و اوراق پیدا می‌شود. آن زمان، مسافرت‌ها با گاری و کالسکه و دلیجان با کشنده‌هایی مانند الاغ و اسب، ممکن بود. مسافرت از تهران به مشهد که اکنون با هواپیما یک ساعت طول می‌کشد، آن روزگار بیست روز زمان می‌برد. حاج‌سیاح در سال ۱۲۹۵ قمری نوشته است که اهل مشهد تا کاروان‌سرای طرق، پیش می‌رفتند تا بتوانند زائری را به خانه خود بیاورند و حتی گاه میان آن‌ها، رقابت و نزاع پیش می‌آمد تا مسافران مشهد را از آن خود کنند.

با پیدایش اتومبیل، طول این سفر به چهار روز کاهش می‌یابد و مسافران بیشتری می‌توانند به‌سوی مشهد رهسپار شوند. زائران در همه فصول به مشهد می‌آمدند و از این دهه بود که شغلی به نام زوارکشی، رواج یافت. غلامحسین بقیعی درباره این شغل در کتابش آورده است: «این کار نه سرمایه می‌خواهد نه زور بازو، نه سابقه و نه اصل‌ونسب و اسم‌ورسم. تنها صفت موردنیازش،

نخستین کتاب راهنما در ایستگاه راه‌آهن

اوضاع نابسامان مسافران شهر امام‌رضا^(ع)، آستان قدس را بر آن داشت که اداره‌ای به‌منظور هدایت زائران راه‌پایندازد و مسافر‌خانه‌ها، زوارخانه‌ها و اقامتگاه‌های شهر را درجه‌بندی کند. در فروردین ۱۳۳۶ خورشیدی، آستان قدس این اداره را که «اداره راهنمای زوار، نام داشت، برای راهنمایی زائران و مسافران و کمک‌به تأمین آسایش آن‌ها، تأسیس کرد. در روزنامه خراسان سال ۱۳۳۸ آمده است: «کمیسوینی در شهرداری با شرکت نماینده اماکن شهر بانی و چند نماینده شهر، تشکیل و تصمیم گرفته‌شد در هر نوبت ورود قطار، بیست نفر از مدبران مسافر‌خانه‌ها با لباس متحدالشکل در ایستگاه حاضر شده، به نحو آبرومندی مسافرین را راهنمایی کنند، شاید این نخستین اقدامات برای سروسامان دادن به راهنمایان زائر بود که البته با موفقیت



مسافران سبزوار به مشهد سوار بر گاری چوبی

در گفت‌وگو با حسین ادیبیان که نخستین‌های گردشگری را برای این شهر رقم زده است

معلم‌ها، راه‌بلد‌های مشهد بودند

زینبی| وقتی سراغ گذشته گردشگری مشهد می‌رویم، به یک نام آشنا برمی‌خوریم؛ «حسین ادیبیان»، مرد نیک‌نام گردشگری این شهر، مدیر سال‌های نخست هواپیمایی مشهد، صاحب نخستین آژانس گردشگری شهر و نخستین تور گردشگری مشهد که در سال ۱۳۴۸ نخستین آژانس مسافرتی و گردشگری شهرمان را با مشارکت آژانس مهاجری تهران در خیابان خسروی، مقابل هتل ایران، راه می‌اندازد. نخستین سفرهای خارجی مشهدی‌ها را این آژانس، راهبری و گردشگران را با اروپا، آمریکا و خاور دور آشنا می‌کند. در ادامه و حوالی سال ۶۰ ادیبیان آژانسی را با نام خودش در خیابان پاسداران پلاک می‌زند. این پیشکسوت گردشگری ایران می‌گوید: «سازمان جلب سیاحان مشهد، نخستین بار در استانداری تشکیل شد تا زمانی که به خیابان پاسداران ۴ نقل مکان کرد. رئیس آنجا مهندس جلالی بود که به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط داشت. این سازمان در مشهد، کارمندان تحصیل کرده و زبان‌دان و علاقه‌مند به گردشگری داشت.

پیشنهاد بر پایی نخستین تور مشهد را همین سازمان به ادیبیان می‌دهد: «من پس از پیشنهاد سازمان، بلافاصله مینی‌بوسی به مبلغ ۸۰هزار تومان خریدم و بعد از مدتی آن را با عبارت «آژانس مسافرتی و جهانگردی مهاجری و شرکا» بقل نویسی کردم تا با حرکت در شهر، مردم بدانند تشکیلات جهانگردی به این شکل است. پس از آن، پیشنهاد برپایی تور نیشابور به من داده شد. در یک جلسه من آقای جلالی و نماینده استانداری حضور داشتم و قرار شد اتوبوس تشریفاتی شرکت واحد را در اختیار من بگذارند. خودمان با اولین

شاید اگر سفرنامه‌نویسی نبود، نمی‌توانستیم از جزئیات گردشگری در مشهد چیزی بگوییم. افراد زیادی علاقه داشتند در مسیر سفرشان، سری به مشهد بزنند و حتی شده از سرکنجکاو۱، میعادگاه زوار خراسان را ببینند. فرنگی‌ها در این میان از میهمانان پروپاقرص مشهد بودند که با وجود منع تشرّف به روضه منوره و حرم مطهر، بازم به این شهر می‌آمدند و تلاش می‌کردند با لباس مبدل یا با واسطه دوستی با حاکمان خراسان و مشهد به آستان حضرت رضا^(ع) قدم بگذارند و شرح آن را در سفرنوشته‌هایشان بنویسند. اگر بخوایم از نخستین‌های این وادی

مسافران خارجی، راهنما داشته‌اند

هوش سرشار، زبان چرب و نرم و عرضه و جسارت است و زوارکش ماهر باید به آسانی بتواند شکارش را از چنگ همکارانش بیرون بکشد و با یک نظر بفهمد که باب دندان چه زوارخانه‌ای است و چه چیزهایی آورده و چه قسم سروسوغاتی می‌خواهد با خودش ببرد، اگر چه نویسنده مزار پیرمراد توضیحات مطبوعی درباره این شغل نداده است، بر این نکته تأکید می‌کند که با هجوم زوار بر تعداد زوارکش‌ها افزوده و با افزایش تعداد آن‌ها، نزاع بر سر زائران حضرت هم بیشتر می‌شد. این نزاع‌ها کار را به نظمیه نیز می‌کشاند. تاجایی که بسیاری از آن‌ها مواذّه و از حضور در جلوی پای زائران، منع می‌شدند اما منفعت زیاد این کار نمی‌توانست از حضورشان در شهر جلوگیری کند. زوارکش‌ها در ابتدا به دروازه‌های شهر و سپس گاراژها می‌رفتند و با ساخت راه‌آهن، سروکله‌شان در ایستگاه راه‌آهن هم پیدا شد. سال ۱۳۳۷ جلسه‌ای در معاونت فرمانداری، برگزار و پروانه زوارکش‌ها در مشهد، لغو شد تا مسافران را از مزاحمت آن‌ها نجات بدهند، البته بازم قانون، حریف این جماعت نشد و شکایت مسافران ادامه یافت.



راه‌آهن مستقر شدند و در مهر ۱۳۳۷ خورشیدی، دفتر راهنمایی زوار تأسیس شد و متصدی آن، اطلاعات هتل‌ها و مهمان‌خانه‌های شهر و اتاق‌های خالی آن را به مسافران می‌داد. این گیشه، جزوه‌هایی از مشخصات و آدرس‌های لازم را چاپ می‌کرد و برایگان در اختیار مسافران می‌گذاشت. در یکم‌بهمن همان سال، نیز تعدادی دفترچه راهنمای شهر به چاپ رسید و تعدادی از آن‌ها به مأموران اداره راهنمایی‌وراندگی سپرده شد تا در صورت نیاز، مسافران را هدایت کنند. سال۴۶ راهنمای جدید و جامعی در مشهد در ۲۰هزار جلد به چاپ رسید. این راهنماها هرساله منتشر می‌شد تا جای خالی راهنمایان گردشگری را برای مسافران دیار حبیب پر کنند. در مرحله بعد، ۳۴هزار نسخه راهنمای شهر در سال۱۳۴۸ چاپ و در همه شهر توزیع شد تا مسافران با بیلااقات و آثار تاریخی شهر آشنا شوند.

سازمان جلب سیاحان، پای کار آمد

حضور «سازمان جلب سیاحان» در مشهد، مرحله دیگری برای سامان یافتن گردشگری در این شهر بود. این اداره در سال ۱۳۴۲ که ایران با هجوم مسافران خارجی مواجه شده بود، در کشور تأسیس شد و برای بهبود وضعیت گردشگری در شهرهای ایران تلاش می‌کرد. سازمان جلب سیاحان وقتی به مشهد آمد، توانست نقش مهمی در این شهر ایفا کند. یکی از اقدامات بزرگ و خوبی که این سازمان در مشهد انجام داد، آموزش نیروهایی برای راهنمایی گردشگران بود. مشهد با بیلااقات و اماکن تاریخی، نیاز به حضور نیروهای آموزش دیده‌ای داشت که



می‌کرد، این قشر بیان خوبی داشتند و می‌توانستند بلندگو دست بگیرند و در جمع حرف بزنند، به‌خصوص معلمان زبان به‌خوبی از عهده این کار برمی‌آمدند.

ادیبیان که در بسیاری از تورها برای نظارت حضور داشته است، درباره مسیر سفر این گردشگران در مشهد می‌گوید: «راهنمایان ابتدا مسافران را به حرم مطهر می‌بردند. به‌دلیل محدودیت برای غیرمسلمان‌ها، آن‌ها را از پله‌هایی که پیش از ورود به مسجد تعبیه شده بود، به بالای بام مسجد گوهرشاد می‌بردند تا بتوانند بازدید و عکاسی کنند. کارگاه کاشی‌کاری حرم، جای دیگری بود که مسافران خارجی از دیدن آن سرمست می‌شدند. پس از آن، آرامگاه فردوسی میزبان جهانگردها می‌شد. آرامگاه خیم و عطار، مقاصد بعدی سفر بود. پس از گردش‌های محلی، سفر از طریق مرز ادامه می‌یافت و مشتاقان به مرز افغانستان منتقل می‌شدند.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت نودوپنجم)
سرگذشت بازار مشهد (بخش سوم)



مرضیه‌ترابی| در قسمت قبل، ضمن بیان مفهوم «کاروان‌سرا»، درباره ویژگی‌ها و انواع آن گفتیم و سپس، بحثی مبسوط را درباره مسیر بازار باستانی مشهد، پیش کشیدیم. باتوجه‌به شواهدی که به شما خوانندگان گران‌مایه، مشهدیات، عرضه شد، به این نتیجه رسیدیم که بازار باستانی مشهد، امتدادی شمالی جنوبی داشت و از مسیر کوچه سرشور فعلی تا محل کنونی بازارچه حاج‌آقا جان ادامه پیدا می‌کرد و در این مسیر، از بازار فرش فعلی می‌گذشت. گفتیم که در تاریخ شهر مشهد، این مسیر باستانی طبق یک نقل قول، جاده ارتباطی میان سنایاد و نوغان بود و به‌تدریج در حاشیه این مسیر، افزون بر فضاهای تجاری، اماکن مذهبی و اقامتی نیز بنا شد، حتی می‌توان یکی از دلایل اعتبار و قدمت این مسیر را، ساخته شدن چنین سازه‌هایی در اطراف آن دانست. اگر یادتان باشد، به این موضوع هم اشاره کردیم که این مسیر، در دوره‌های مختلف تاریخی دچار گسست و تخریب شد و بخش‌هایی از آن، بیشتر به‌دلیل قرار گرفتن در طرح‌های توسعه اطراف حرم رضوی، حذف شد. در این قسمت از مشهدیات، بحث پیشین را پی می‌گیریم و شواهد جدید تاریخی را بررسی می‌کنیم.

● ارائه بحث به‌صورت مصداقی

اگر یادتان باشد، در قسمت قبل، صحبت از کاروان‌سرا و کاربری آن در ساختار بازار شهر مشهد به میان آمد، به همین دلیل، خالی از لطف نیست اگر درباره کاروان‌سرا به‌صورت مصداقی‌تر صحبت کنیم و بعد به‌سراغ مباحث دیگر برویم. شاید یکی از بهترین مصادیق کاروان‌سراهای شهری که کاربری مهمی در فعالیت‌های اقتصادی داشت، «سرای بزرگ ازبک‌ها» (کاروان‌سرای ازبک‌ها) باشد. کاروان‌سرای که تا سال ۱۳۶۰ خورشیدی برقرار بود و بعد، تخریب و تبدیل به «سرای امین» شد و ما در قسمت قبل، اشاره‌ای مختصر به آن کردیم. احمد ماهوان در کتاب «بازار در فرهنگ و ادب ایران زمین»، قدمت سرای ازبک‌ها را به قرن هشتم و نهم هجری، یعنی حدود مصادف با دوره تیموری مربوط می‌داند. این کاروان‌سرای مهم، از منظر معماری یک بنای فوق‌العاده کاربردی بود، به این معنا که تقریباً در آن پیش‌بینی همه لوازم موردنیاز برای فعالیت‌های اقتصادی را کرده بودند. ماهوان به ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد سرای ازبک‌ها اشاره می‌کند و با غم و اندوه می‌نویسد: «اگر مرمت واحیایم گردید، باشکوه‌ترین مکان در شهر توریستی زبارتی مشهد برای نمایشگاه کالا و هنرهای دستی همچون غلم و بیرق، سجاده، بقچه، روتختی‌های سوزن‌دوزی، قلاب‌دوزی و... بود». این دیدگاه ماهوان البته درباره بسیاری از ابنیه قدیمی مشهد، مصداق پیدا می‌کرد که امروزه اثری از آثار آن‌ها وجود ندارد و باید شکل و مختصاتشان را فقط تصور کنیم. تصویر سرای ازبک‌ها، از زبان کسانی که آن را دیده و توصیف کرده‌اند، جذابیت‌های ویژه‌ای دارد، بازاری که دروازه اصلی آن در حاشیه پایین‌خیابان قرار داشت و پشت آن به‌کوچه تاجرها محدود می‌شد و از طرف شرق نیز، کوچه سیاءآب (سیاوون) از کنارش می‌گذشت. سرای ازبک‌ها، یک ورودی رؤیایی داشت، در سرسرای آن، یک هشتی ساخته بودند که محل استقرار نگهبان و قهوه‌خانه بود. معمولاً در معماری بازارهای قدیم، محل استراحت، نوشیدن چای و صرف غذا (عموماً صبحانه و ناهار)، از اوجب واجبات بود و فقدان آن، نقضی اساسی به حساب می‌آمد. قهوه‌خانه‌ها معمولاً این وظیفه مهم را برعهده داشتند. ارتباط قهوه‌چی‌ها با بازار، ارتباطی دوستانه و پرمنفعت بود. قهوه‌چی‌ها مسئولیت پذیرایی و انجام تشریفات مربوط به آن را، به‌خصوص برای حجره‌های بدون شالگرد، عهده‌دار بودند، به این ترتیب که وقتی بازاریان، میهمان خصوصی یا تجاری داشتند، تهیه چای و وسایل پذیرایی برای آن‌ها، با قهوه‌چی کاروان‌سرا بود. قهوه‌چی‌ها معمولاً با بازاریان معتبر، روابط مالی منظم برقرار می‌کردند و تسویه‌حساب‌ها میان آن‌ها به‌صورت ماهانه انجام می‌گرفت.

● شکل درونی سرای ازبک‌ها



سرای ازبک‌ها مانند هر کاروان‌سرای معتبر و بزرگ دیگر، حیاطی بسیار وسیع به طول شصت و عرض چهل متر داشت، یک محوطه ۲هزارو ۴۰۰مترمربعی که در میانه آن، یک حوض بسیار زیبا، با آب‌نمایی چشم‌نواز ساخته بودند. درواقع آنچه امروز در معماری پاساژها و مجتمع‌های تجاری می‌بینیم، به‌نوعی، برداشتی ناقص و بی‌سلیقه از تزیینات موجود در کاروان‌سراهای قدیمی است، مثلاً در آن دوره، کمتر پیش می‌آمد که زیبایی و نمای بنا را فدای افزایش مساحت مغازه‌ها و واحدهای تجاری کنند تا از این رهگذر، پول بیشتری به جیب بزنند. نکته جالب اینجاست که در سرای ازبک‌ها، فضایی برای پارکینگ هم درنظر گرفته شده بود، به این ترتیب که در انتهای این بنا، جایی که به کوچه تاجرها منتهی می‌شد، مکانی به نام «خلوت‌سرا» ساخته بودند که محل نگهداری چهارپایان محسوب می‌شد. حجره‌ها در سرای ازبک‌ها، دارای دو بخش فوقانی و تحتانی بود. در بخش تحتانی، انبار قرار داشت و در بخش فوقانی که نیمی از پشت‌بام بخش تحتانی را دربر می‌گرفت، کاسب یا تاجر مستقر بود و بقیه پشت‌بام نیز، زمینه‌های استفاده مختلف و گوناگونی داشت که صاحبان غرقه‌ها، بر حسب نیاز، از آن بهره می‌بردند، مثلاً برخی بازرگانان که به کار تجارت خشکبار مشغول بودند، از این فضا برای بوجاری، غرغال و بسته‌بندی بهره می‌بردند. در قسمت‌های بعد، باز هم درباره این کاربری‌ها و جذابیت‌های آن خواهیم گفت.

ادامه دارد...

منابع:

مزار میرمراد،

نوشته

غلامحسین

بقیعی،

تاریخ

اقتصادی

مشهد،

تألیف علی

نجف‌زاده،

تصویب

آیین‌نامه

راهنمایان

گردشگری در

سال۴۵.

مقاله روایت

نخستین

دیدار سیاحان

مسیحی از

حرم مطهر

نوشته

رضوی، محمد

اسناد موجود

در سازمان

و اسناد

کتابخانه ملی

ایران.

تاریخ و هویت

شهریار
SHAHRAHNEWS.IR
 ۱۲ شهریور ۱۴۰۲
 صفحه ۲۳
 شماره ۲۰۳۲۲

۱۵



تصویر اولین مسافرانی که اداره جلب سیاحان آنان را به سفربرده است